

درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

افزایش تشنج در خلیج فارس، خدمت به امپریالیسم

بیشتری می شود. سناریوی ورود گسترده نیروهای نظامی آمریکا تنظیم شده است. بر اساس این سناریو یکی از کشورهای خلیج فارس آمریکا را برای دفاع از آزادی کشتیرانی در خلیج فارس فراخواهد خواند. در همین زیر عنوان "در خلیج فارس چه کسی برسد" بقیه در صفحه ۵

ناوهای ناوگان هفتم نیروی دریایی آمریکا و کشتی های جنگی انگلستان در خلیج فارس به حال آماده باش درآمده اند و کاسینار و این برگرود زیر دفاع آمریکایی مباحثه روز شنبه گذشته خود خبر از احتفال یک درگیری و سیخ در این منطقه را داد. موافق اخبار خبرگزاریها، احتمال گسترش جنگ به سایر کشورهای هر روز

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ برابر اول ژوئن ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۹

پاسخ مسئول شعبه کارگری سازمان به سئوالات خوانندگان اکثریت

در صفحه ۶

"رفع ابهام از وضع مالکیت ارضی" بفتح ملاکین و سرمایه داران

جمهوری اسلامی در بازه کشا و رزی صحبت کردند و ثوابهای کارکشا و رزان را برشمرند. هر یک خطراتی از دوران نوجوانی خود که در روستاها گذشته بود تعریف کردند، رئیس مجلس گفت: "من خودم کشا و رز بمعنای واقعی هستم. بسیاری از درختانی که هم اکنون

پس از اعلام سال ۱۳ بعنوان "سال... خود کفایی کشا و رزی" از سوی رئیس جمهوری، دولت نسیز روزهای ۲۰ تا ۲۷ اردیبهشت را بعنوان "هفته کشا و رزی تعیین کرد. در این هفته "کشا و رزان نمونه" انتخاب شده به دیدار زعمای جمهوری اسلامی نایل شدند. در این دیدارها هر یک از رهبران

بقیه در صفحه ۴

انتخابات، جلوه ای از سرکوب اراده مردم

روز ۱۲۷ اردیبهشت مرحله دوم انتخابات دوره دوم "مجلس شورای اسلامی" برای تعیین ۱۳۵ نماینده برگزار و هفتم خرداد ماه مجلس دوم افتتاح گردید. هر چند هنوز "شورای نگهبان" منافخ ارتجاع، "صلاحیت" همه منتخبین و "صحت" برگزاری انتخابات مرحله دوم را تایید نکرد و بررسی اعتبارنامه های نمایندگان در پیش است، با این حال اکنون می توان روندی را که در رابطه با انتخابات در دوران حاکمیت و در رابطه آن با مردم طی شده، بطور کلی تصویر کرد.

تدارک برگزاری انتخابات مصادف با زمانی گردید که رهبری جمهوری اسلامی پس از یک دوره تزلزل و عقب نشینی، تسلیم خواستها و منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکسان و مدافعان آنها گردیده و می خواست همه مواضع بر سر راه پیشبرد سیاست راست، سیاست تحکیم مواضع ارتجاع در حاکمیت را زمین بردارد. انتخابات و تشکیل مجلس اول زمانی انجام گرفت که انقلاب پیش می رفت و توازن قوا در حاکمیت جمهوری اسلامی بگو نمای بود که انعکاس اراده مردم در ترکیب نمایندگان مجلس می توانست در جهت مطرح شدن و تحقق برخی خواستهای مردم و آماجهای انقلاب عمل کند. اما بعکس، بقیه در صفحه ۲

جشن "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان

جشن صلح و همبستگی

در صفحه ۱۱

تظاهرات برای قطع جنگ ایران و عراق در هندوستان

حزب و سازمان سیاسی طی اعلامیه ای

خواستار پایان دادن به جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی در این دو کشور شدند

مترقی عراقی و فلسطینی فداسیون سراسری جوانان هند، فداسیون دانشجویان هند و سازمان صلح و همبستگی سراسر هند و (واحد ایالت ماد پرادش) برگزار گردید.

بقیه در صفحه ۱۰

روز ۸ آوریل (۸ اردیبهشت) تظاهرات باشکوهی برای صلح در منطقه خلیج فارس و آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق در شهر بیوپال هند و ستان برگزار گردید. این تظاهرات به فراخوان رفقای ما در هند و ستان، دانشجویان

پیام هیئت اجرایی
کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا به
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بمناسبت اول ماه مه
در صفحه ۲

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

انتخابات، جلوه‌ای از سرکوب اراده مردم

پیام هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت اول ماه مه

رفقای عزیز
روز اول ماه مه، روز همبستگی طبقه کارگر و همه نیروهای مبارز در راه صلح و سوسیالیسم و آزادی ملی و اجتماعی راتبریک می‌گوییم.

مردم جهان برای دفاع از صلح، برای جلوگیری از حرکت جنایتکارانه ارتجاع بین‌المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به سمت جنگ هسته‌ای و نابودی بشریت، با قدرت هرچه بیشتر متحد می‌شوند.

امارات همبستگی و تیریکات برادرانه ما را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ابراز می‌داریم. سازمان شما، همراه با حزب توده ایران، قهرمانان در برابر ارتجاع ضدانقلابی، درنده‌خو، و ارتجاع و انحصارات بین‌المللی همدست‌اش که بر علیه نیروهای ضد امپریالیست و مترقی خلقهای ایران توطئه می‌کنند، مقاومت می‌نماید.

با درودهای گرم برادرانه
هیات اجرایی کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا
و م. کاستن
دبیران را ول

و بزرگسوال بردن اصل انتخابات بسود.

راستگرایان با وحشت از رای منفی آشکاری که از مردم گرفتند، پس از انجام مرحله اول انتخابات، جناح مخالف خود را متهم به تقلب کردند و خسود پاکک شورای نگهبان به بزرگترین تقلب دست زدند. این شوراهرا چاکه نتیجتا انتخابات را مطابق میل خود نیافت، گو شید با پرونده سازی، آن حوزه را "ابطال" کند. این تهاجم به باطل شدن انتخابات ۱۲ حوزه از جمله شهرهای بزرگی مانند اصفهان و شیراز انجامید.

اقدام شورای نگهبان علاوه بر تخیییر نتایج انتخابات بسو دراستها، هدف مقابله با تضعیف مواضع ارتجاع و مطرح شدن دوباره این شورابحنوان پر قدرت ترین نهاد که حتی از رای مردم هم بالاتر است را نیز دنبال می‌کرد.

قدرت نمایی شورای نگهبان پاسخ بسود به فعال تر شدن جناح مخالف از یک سو و مخالفت آشکارا و ابرار ناراضیانی مردم از سوی دیگر.

اما این تعرض هم بدون برخورد به مقاومت پیش‌ترفت؛ مخالفین شورای نگهبان و آنها یی که از "ابطال" های این شورابیشترین لطمه را دیده بودند، از طریق مطبوعات، از طریق پخش اعلامیه و ایراد سخنرانی، بطور بیسابقه ای

اوضاع برای درپیش گرفتن مشی درست و اتخاذ سیاست مناسب در قبال انتخابات، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشترکا به این نتیجه رسیدند، که برای اعتراض به ترور و اختناق حاکم بر کشور و پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک از زحمتکشان دعوت کنند به فهرست نامزد های ارایه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام چ. ا. و سازمانهای مربوط به آنها را رای مخالف دهند. (اعلامیه مشترک درباره انتخابات)

جریان امور نشان داد که این فراخوان حزب و سازمان تا چه حد منطبق بر ضروریات نبرد انقلابی در شرایط حاضر، سطح جنبش توده ای و روحیات مردم و رابطه آنها با حاکمیت بسود.

مرحله اول انتخابات بمثابه روزنه ابراز مخالفت توده های مردم با سیاستهای حکومت عمل کرد. هر چند سردمداران جمهوری اسلامی به هییم وجه مایل نبودند تضاد های درون حاکمیت، بخصوص تضاد لایه های بالایی و پایینی آن به مردم امکان دهد رای عدم اعتماد به سیاست حاکم بدهند، و هر چند حکومت چنه از طریق سرکوب فاشیستی احزاب و سازمانهای ترقیخواه و چه از طریق حذف و تحت فشار قرار دادن مسلمانان مبارز و عناصر مترقی که به مجلس اول راه یافته بودند، نهایت تلاش خود را کرد تا انتخابات مهور نشانی از اراده مردم بخود نداشته باشد، اما شکل مستقل جناحها و گروه بندیهای گوناگون درون حکومت و فعالیت انتخاباتی آنها از یک سو، و رشد آگاهی مردم و ناراضیانی آنها از سیاستهای حاکم از سوی دیگر، باعث شد تا خواست و تمایل مردم، در انتخابات بصورت رای مخالف با جناح راست حکومت ابراز گردد. مردم به اشکال گوناگون، از عدم شرکت در انتخابات گرفته تا رای سفید و باطله دادن، انتخاب یک یاد و نفر بجای انتخاب لیستها، و بالاخره عدم انتخاب کاندیداهای جناح راست - بخصوص در شهرستانها - به سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی رای منفی دادند. در بسیاری از شهرستانها در مرحله اول کاندیداهایی به غیر از نامزد های حزب جمهوری اسلامی انتخاب شدند و در بسیاری دیگر کار انتخابات به مرحله دوم کشید. حتی در انتخابات مرحله اول تهران، که توافق جناحهای مختلف بیش از جایی دیگر بود، رای مخالف مردم از زور رای نتایج و آمار اعلام شده خود را نشان داد که قبلا چگونگی آنرا نشان داده ایم.

پاسخ ارتجاع بمابین مخالفت قاطع مردم، بکارگیری شورای نگهبان برای سرکوب اراده آنها

بقیه از صفحه اول

انتخابات و تشکیل مجلس دوم در شرایط پست کردن رهبری جمهوری اسلامی، بسه انقلاب و تقابل روز افزون اراده آن با اراده توده های خلق انجام یافت. دردی ماه ۱۳۶۲ رهبری حکومت رسما اعلام کرد در تضاد بیش از دو ساله شورای نگهبان با اکثریت مجلس، "حق" با شورای نگهبان بوده است.

رهبری جمهوری اسلامی در آغاز می‌خواست "مساله" مجلس را بدینگونه نحل کند که با تحمیل یک لیست واحد انتخابی به اسم نمایندگان "اصح"، کار انتخابات را یکسره نمود. و از پیش، مانع کمترین تجلی اراده مردم در مجلس که خواه ناخواه باعث ادامه کشمکشها با شورای نگهبان (منتصب رهبری) می‌گردید، شود. به همین منظور هم مهدوی کئی از همبران سرشناس راست‌ماهور شده بود تا لیست نمایندگان "اصح" را تعیین کند.

اما تلاش برای تهیه لیست واحد پیش از هر چیزی به دلیل عدم توافق جناحهای مختلف حکومت درباره سهم خود از لیست های انتخابی به سرانجام نرسید. سران حکومت دستور دادند جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از یک سو، و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و شورای مرکزی ائمه جمعاز سوی دیگر، برای سراسر کشور لیست انتخاباتی اعلام نکنند. محروم شدن "دفتر تبلیغات اسلامی" و "شورای مرکزی ائمه جمعه" از معرفی لیست کاندیداهای، امکانات این گروهها را به فعالیت غیر مستقیم انتخاباتی مسحد و کرد. اما از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی توانست از طریق دفتر خود در تهران و شهرستانها کاندیداهای معرفی کند.

همزمان با این تحولات، بدنیبال دعوت رهبری جمهوری اسلامی از "دانشگاهیان" برای شرکت در انتخابات، "دفتر تحکیم وحدت" انجمنهای اسلامی دانشجویان با حمایت نهاد هایی که در لایه های پایینی حکومت نفوذ دارند، ضمن گنجاندن نیمی از کاندیداهای جنبه راست حاکم (حزب جمهوری اسلامی - روحانیت مبارز تهران - بازار و...) ترکیبی از چهره های غیر حزبی، تکنوکراتها و مخالفین برخی از جنبه های سیاست حاکم را برای تهران معرفی نمود. در شهرستانها در مقابل حزب جمهوری اسلامی و بازار کسه چهره های مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را کاندید کردند، برخی نمایندگان مجلس اول و عناصر دیگر غیر حزبی بطور منفرد و با حمایت نهاد های پایینی حکومت دا و طلب نمایندگی شدند.

در چنین شرایطی، با ارزیابی دقیق

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز و قهرمان ایران!

پیگرد، شکنجه و کشتار بهترین فرزندان شما، کسانی که همه خواست و آرزویشان آزادی میهن و بهروزی مردم ایران است، همچنان ادامه گسترده تری می یابد. زمامداران جمهوری اسلامی که علیرغم زندان و شکنجه و اعدام فدائیان، توده ایها، مجاهدین و دیگر مبارزان میهن پرست، نتوانسته اند سازمانهای شما را منهدم کنند و مردمی را درهم بشکنند، اکنون توطئه های جنایتکارانه تازه ای را علیه فدائیان خلق ایران به اجرا درمی آورند. در نتیجه پیگرد های وسیع، هجوم به خانه ها، محله گردی، ترقق خیابانها و میدانها و کنترل گلوگاه شهرها به کمک مزدوران و خود فروختگان و با بهره گیری از بایگانی اطلاعات ساواک، طی ماههای اخیر عمده دیگری از مسئولین و کادرها سازمان ما اسیر و ریبده شده اند. تنها در شهر اهواز مزدوران رژیم و دستجات او با شکست نزدیک به ۵۰ نفر از فعالین سازمان ما را بازداشت و به شکنجه گاهها بردند. بعلاوه زمامداران جمهوری اسلامی که تاکنون نتوانسته اند به رهبری سازمان دست یابند، به تشدید شکنجه فدائیان اسیری که از پیش از دستگیری قبیل زندان بسر می برند، روی آورده اند. در تخیمان بویژه برای از یاد آوردن عده های از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و بسیاری از کادری سازمان که مدتهاست در زندان اوین و دیگر شکنجه گاههای رژیم به گروگان نگاه داشته شده اند، همواره امکانات خود را بکار گرفته اند. بیش از یکسال است رهبران جمهوری اسلامی این رفقای ما را به زیر و حشیا نه ترین شکنجه ها کشیده اند تا آنها

را بشکنند و تسلیم کنند.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اعلام می دارد، رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاوره و هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما از مبارزان شناخته شده جنبش انقلابی ایران نیز در تابستان سال گذشته مورد شناسایی تعقیب و مراقبت مامورین و مزدوران رژیم قرار گرفت. او سه بار موفق شد حلقه محاصره آنان را بشکند. اما آخرین بار در زاول شهر یورماه سال گذشته که تحت تعقیب قرار گرفت، رابطه اش با سازمان قطع گردید و تا امروز مقامات مسئول کوجکترین خبری درباره سرنوشت رفیق انوشیروان لطفی به مردم نداده اند. همسزا و رانیز اسیر کرده اند. خانواده های آنها هم در بی اطلاعی محض نگاه داشته شده اند.
مقامات حکومتی این جنایات را علیه فدائیان مرتکب می شوند که در زندانهای رژیم خو نخوار شاه شکنجه دیده اند و یاد از انقلاب نقش و شرکت فعالی داشته اند، گناه آنها صرفا دفاع از استقلال و آزادی میهن خویش و آرزوی بهروزی برای کارگران و دهقانان زحمتکش و مخالفت با چپا و لگری سرمایه داران است. جهت اطلاع شما، زگو شه ای از جنایاتی که در میهن ما صورت می گیرد، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اسامی گروهی از مسئولین و کادرها و اعضای قدیمی سازمان را که در زندان بسر می برند اعلام می کند. این اسامی به دلایل امنیتی و نیز تقص اطلاعات تنها شامل بخشی از کادریهای پرسابقه سازمان فدائیان خلق ایران است.
رحیم اسدالهی، صداسلامی، علیرضا اکبری شاندیز، حسین بهبودی پشته، علی پرهیزی، رضی الدین تابان، میناچری، محمدجو دکی،

مهرابنگیز رضانی، ناصر شعاع آذر، صدر شمس الدین، زهره صدیق تنگابنی، محمد رضا غیری، بهرو زفیاشوند، محسن فارسانی، تقی قانسج خشکه بیجاری، انوشیروان لطفی، اکبر مرادیان، بروجنی، جواد ملاحسنی، محسن میرزاپور، فرهاد نگهبان، علیرضا نوبری، مخی نیک بی.
هم میهنان گرامی!
انقلابیون و میهن پرستان ایران!
جان فدائیان زندانی در معرض خطر جدی است. در دفاع از این فرزندان مبارز، و همزمان پاک باخته، صدای اعتراض خود را رسا تر کنیم. برای خنثی کردن توطئه های حکومت علیه انقلابیون و میهن پرستان برای قطع شکنجه و کشتار فرزندان خلق همگی و با تمام نیرو بکوشیم. فدائیان، توده ایها، مجاهدین، مبارزین انقلابی و همه میهن پرستان اسیر، از زهر گروه و سازمان میهن پرست و ترقیخواه، این زندان و یسه و خواست را دارند که همه انقلابیون و میهن پرستان نیروی خود را در دفاع از آنها، بطور مشترک و هماهنگ بکار گیرند. به خواست همزمان در بند خود پاسخ مثبت دهیم.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، از همه نیروهای ترقیخواه جهان، از همه سازمانها و نهاد های بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی دعوت می کند، در دفاع از رفقای در بند ما و همه اسیران انقلابی و میهن پرست که در زندانهای جمهوری اسلامی در بندند و زیر شکنجه های مرگ باقصرار دارند، صدای اعتراض خود را رسا تر سازند.
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
۶۳/۲/۱۵

”حکومت اوین“

تنها روشنائی عمر تست - قطره قطره که در تابوت تارک با بدیت می ریزد ای اسیر شقیفته!
دراوین - گیسون پوسیده زنان
چشمان برکنده که نسلان - رقص پاها بر پیولا دگداخته و مگس نوشیدن خونهای تسلیم نشده را بی تاب می کند
دراوین - ستم با زبان تازه نه سخن می گوید!
این شقی کیست که در رگس سرش بدنه می نوشند هرزگان؟!
این بانوی بارور کیست که از ننگونه پرتاب می شود بر نیزار نیزه ها؟!
ای بهت زدگان میهن تاریک!
این خواهر که دامن شامست که رگانش را لا شخوران از پیگر بر می کشند؟
این دختر که دامن شامیان است که قدیس با مان با پرچم هرزگی فتحش می کنند؟
پاسخ دهید با من - ای از تبار کاوه - تهمتن!
این مرد کیست؟ از کدام قبیله ست که جانوران پوزه در خون روز را بر خاکسترش می چرخانند؟
×××

د تخیمان تعویض میشوند - و پرچمها، دیگرگونه ردپوشان - برار به قدرت یاد شاهن خسته جای میگیرند و اوین همچنان وضوی صبحگاهی درخون و شیرکان میگیرد
و ساغر ضحاکان را به ساغر شکسته اجساد عاشقان میزند در شامگاهان همچنان
دشته ای به دلیران ارمان می کند تا پرده شرافت خویش را بردارند
و جاری میکند گنداب فرامین خویش را در سرتاسر میهن و نمک می باشد بر زخم های تنم
پرچم مرگ بر فراز اوین و هزاران شمع خلود در زمین با اینهمه - نه پادشاهان، نه ردا پوشان هرگز نتوانستند - نتوانستند که بمیرانند
این شعله بزرگ سراسری را که می گستراند تن در سرزمین کاوه - تهمتن!
مانی
۶۳/۲/۱

"رفع ابهام از وضع مالکیت ارضی" ، "بمنفع ملاکین و سرمایه داران"

بقیه از صفحه اول

درده ما وجود دارد بدست من پیوند زده شده است و " " " " ، آیت الله مشکینی گفت ، که یک روستا زاده " است و کسی است " که سنو اتسی از عمر خویش را در یکی از روستا های دور افتاده کشور مشغول بوده " است ، خلاصه درباره همه چیز گفته شد و سخن رفت ، جز ، زمینهای بایسر و دایره مشمول بند " ج " و " د " می شدند . و آنجا که رئیس مجلس گفت : " همه ملت می گویند تکلیف زمین را روشن کنید " (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت) ، گفت چگونه ؟ قبل از بررسی این موضوع تبلیغاتی جدید رژیم درباره کشاورزی و تعیین تکلیف زمین و رفع ابهام از آن ، این سوال مطرح می گردد که آیا اکنون نیز سخن بر سر این ابهام همان محتوای زمانی را دارد که رهبران جمهوری اسلامی هنوز به اهداف انقلاب بهمن خیانت نکرده بودند و مبارزه ای واقعی بر سر این مساله در حاکمیت در جریان بود ؟ و آیا ابهام قبلا ، و عملا در جهت منافع ملاکین و سرمایه داران بزرگ رفع نشده است ؟

از اولین روز های پس از انقلاب ، دهقانان با شور و اشتیاق تمام زمینهای وسیعی را مصادره نمودند . زمینها ، قطعات بجزرگ نیز از جنگ بزرگ مالکان و سرمایه داران وابسته خارج و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت . از همان ایام نیز نبرد بر سر تعیین تکلیف این زمینها از نظر قانونی بین نیرو های وفادار به انقلاب و مردم با نیرو های خواهان سلطنت مجدد بزرگ مالکان روستاها بودند ، آغاز گردید . دهقانان در تمام نقاط علیه توطئه های بزرگ مالکان و عوامل آنها به مبارزه برخاستند . و نیرو های انقلابی و نهاد های توده ای جوشیده از بنطن انقلاب نیز از آنان حمایت بعمل می آوردند .

در فروردین سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب قانونی مبنی بر واگذاری واحیاء اراضی موات از تصویب گذراند . سپس هیات هفت نفره واگذاری زمین تشکیل گشته و به تقسیم زمینها پرداختند . اما مدتی بطول نیانجامید که با توطئه و فشار عوامل مالکان در حاکمیت ، فشار همه جانبه برای متوقف ساختن روند تقسیم اراضی آغاز گردید و سرانجام در گام اول ، حکومت با دستور رهبری جمهوری اسلامی اجرای بند " ج " و " د " را متوقف ساخت و موجبات پایکوبی و شادمانی زمینداران فراری را فراهم آورد و توطئه های مالکان برای بازپس گرفتن مواضع از دست رفته شدت یافت . قانون اصلاحات ارضی که تحت فشار فقهای وابسته به بزرگ مالکان گوش و دم - بریده شده بود ، دردی ماه ۶۱ به تصویب

مجلس رسید ، لیکن از تأیید شورای نگهبان نگذشت و " غیر شرعی و مغایر با احکام دین و اسلام " اعلام گردید . دهقانان ، نیروها و نهاد های انقلابی بطور یکپارچه خواهان تعیین تکلیف مالکیت ارضی و رفع ابهام آن بمنفع دهقانان گردیدند .

روشن بود که رفع ابهام در مورد مالکیت ارضی در رابطه تنگاتنگ با سمت گیری آینده حاکمیت جمهوری اسلامی قرار داشت . با تحکیم موضع راستگرایان و سازشکاران ، زمینداران و حامیان آنها در گام بعدی توانستند موجب رد قانون " احیا و واگذاری اراضی مزروعی " توسط شورای نگهبان گردند و سرانجام رهبری جمهوری اسلامی که دست پیته بسته " دهقان

را " سند مالکیت " می دانست ، مجلس را به اطاعت از شورای نگهبان منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان فراخواند و بدین ترتیب حرف آخر در مورد مساله تقسیم زمین زده شد . از آن هنگام این مساله در حکومت ظاهرا به فراموشی سپرده شد و در مورد آن سکوت اختیار گردید . در حالیکه دهقانان با تهیه طومارها و ارسال سیل نامه ها و تلگرام ها خواستار روشن شدن وضع مالکیت زمین بمنفع خویش بودند . اما حکومت باین اقدامات واقعی نگذاشت و کم کم زمینه را برای مسلط کردن مجدد زمینداران بزرگ مساعد ساخت . حکام شرع راههای شرعی بازگرداندن اراضی تقسیم شده - حتی در زمان شاه معدوم - را بتدریج در مقابل زمینداران گذاردند و آنها نیز تحت حمایت پاسداران و ژاندارمها شروع به بازگشت به روستاها نمودند . این امر مسلما با مقاومت دهقانان رو برو گردید . اما پاسخ حکومت گلوله و زندان و سرکوب بود .

با این اقدامات بتدریج امید دهقانان نسبت به انجام اصلاحات ارضی مترقی از جانب حاکمیت به یاس گرایید . نمایندگان مجلس نیز در چندین مورد اذعان داشته اند که موج بازگشت فتو دالها و زمینداران بزرگ و سرکوب و زندانی کردن دهقانان به برانگیخته شدن دهقانان بر علیه حکومت انجامیده است . از جانب دیگر سیل مهاجرت به شهرها پرا گدازان زندگی شدید گردید و سران حاکمیت نیز شروع به موعظه برای بازگرداندن روستائیان و انداختن مجدد دیو غ بردگی ملاکین برگردن آنها نمودند . اکنون نیز سخن از وجود ابهام و لزوم رفع آن از جانب سران حاکمیت مطرح می گردد . اما اگر در گذشته سخن بر سر رفع ابهام مالکیت زمین در جهت تقسیم ارضی میان

دهقانان بود ، اکنون سخن بر سر چگونگی بازگرداندن بزرگ مالک و سرمایه دارو تثبیت موقعیت آنها در روستاست .

آقای موسوی " حل مساله مالکیت اراضی کشاورزی " را در برنامه سال ۶۳ دولت خود گنجانیده است و سایر مسئولان کشاورزی اظهار امیدواری می کنند که تکلیف زمینها در سال ۶۳ توسط مجلس شورای اسلامی مشخص شود . درک این موضوع که مجلس آینده سعی خواهد کرد این مسئله را در کدام جهت مشخص کند ، زیاد مشکل نیست .

آقای زالی و زیرکشاوری در یک کنفرانس مطبوعاتی بدین گونه منافع سرمایه داران را تضمین می کند : " خوشبختانه مساله حادی در رابطه با مالکیت نداریم و فقط کافی است که مساله زمینهای مورد مناقشه و اختلاف حل شود . ما اعلام می کنیم که بقیه از ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار هکتار زمین که در رابطه با شو راهای کشت قرار دارند این امنیت وجود دارد که مردم (!)

سرمایه های خود را بتوانند در زمینه کشاورزی بکار بیندازند . " (اطلاعات ۲۷ بهمن ۶۲) مدتی بعد در شرایطی که میلیونها روستایی بلا تکلیف مانده اند ، آقای زالی از " علاقمندان به کار کشاورزی " دعوت می کند و می گوید : " هم اکنون امکانات برای افرادی که می خواهند در زمینه احیای اراضی کشاورزی و گسترش صنایع وابسته و تبدیلی و جانی فعالیت کنند ، وجود دارد " . (کیهان ۲۱ فروردین ۶۳) کاملا روشن است که حکومت از چه کسانی دعوت بکار نموده و خواستار تثبیت مواضع کدام طبقه اجتماعی در روستاهای ایران است . آری ، هدف حاکمیت بازگرداندن بزرگ مالکان به روستاها و جذب هر چه بیشتر سرمایه داران و مسلط نمودن آنها بر جان و مال مردم تحت عنوان " جذب میلیونها تومان سرمایه سرگردانی که در بخشهای غیر تولیدی فعالند " (کیهان ۲۱ فروردین) است .

بدین صورت مشاهده می شود هیچگونه ابهامی در مورد زمینهای دایره بایر بزرگی که مشمول بندهای " ج " و " د " می شدند برای حکومت باقی نمانده است و فقط ابهام روی اراضی موجود در دست " هیات های واگذاری " می باشد . در یک کلامی توان گفت که سران حکومت با وجود اینکه فعلا حتی بخاطر برخی " مصالح شرعی " ابهام موجود را با قسی گذاشته اند ولی بطور کلی سیاست واگذاری اراضی مصادره ای به بخش خصوصی و بزرگ مالکان را در پیش گرفته اند . تمام سخنان ، تمام سیاستها و مضمون تمام جلسات و سمینارهایسی

افزایش تشنج در خلیج فارس، خدمت به امپریالیسم

بقیه از صفحه اول

نخریم، یعنی فشنگ هم تهیه نکنیم، یعنی گندم هم نیاوریم، مواد کارخانه و قطعات آتراه هم نیاوریم معنای این حرف یعنی این است: (نماز جمعه، جمهوری اسلامی ۲۹ اردیبهشت)

با همه اینها سیاستگران جمهوری اسلامی پیش از پیشامید به "چرخش سیاسی غرب" بستنند. رفسنجانی در همان نماز جمعه گفت: "ما امید داریم که یکبار تجربه برای آمریکا کثیفها کافی باشد. دوباره خودشان را وارد این ماجراها نکنند. عاقلانه ترین راه هم برای همه شما این است که زودتر تشنج درید هید و این صدام عقلی را که به نفع از اسمش کارهایش زشت است اینرا از صحنه بیرون کنید." (جمهوری اسلامی ۲۹ اردیبهشت)

گره زدن سرنوشت جنگ به سرنوشت رژیم عراق و استغاثه از آمریکا برای "بیرون کردن آن، جمهوری اسلامی را در گردابی انداخته است که روز بروز آنرا بیشتر بگام خویش کشیده و از ساحل صلح و سازندگی دور و دورتر می کند. رئیس مجلس تبلیغ می کند: "مردم ایران حاضرند تا پای جان شان تا اقصی نقاط جنگ بایستند" (همانجا)

مردم ایران که در آغاز جنگ، برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن در جبهه ای به وسعت ایران تجهیز شدند و متجاوزان از کشور بیرون راندند، اکنون نمی خواهند گوشت دم توپ جنگ مداخله گرانی کردند که جزویرانی و نابودی میهن و تقویت حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس سود دیگری ندارد، مردم آگاه بخوبی تشخیص می دهند، تداوم جنگ ایران و عراق بهترین "فرصتهای طلایی" را برای "شیطان بزرگ" فراهم کرده است تا گروهی جدید نظامی - سیاسی

از قماش ناتو و سنن در منطقه بوجود آورد تا علیه جهان صلح و ترقی بکار رود و پایگاههای امپریالیسم برای جنگ افروزی و سرکوب جنبشهای رهایی بخش در منطقه باشد. تداوم جنگ کماکنون با کاهش صد و رنفت و حتی خطر قطع آن، همراه گشته است، و در زمانی بس غم انگیزتر و طاقت فرسا برای زحمتکشان میهنمان ترسیم کرده است.

جمهوری اسلامی با پاشیدن نفت بر آتش جنگ، سرنوشت تمام کشور را در خطر انداخته و راه ورود گسترده ناوگانهای آمریکایی به خلیج فارس را هموارتر کرده است. مردم میهنمان امروز ضرورت پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ۴۴ ماهه را از هر روز بیشتر لمس می کنند و صلح می خواهند. مبارزه برای صلح، مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، مبارزه برای بهروزی زحمتکشان، مبارزه برای آیندای روشن است.

جهان صلح و ترقی، پشتیبان مبارزات صلح طلبان مردم ایران است.

نگاهی به آرایش نیروهای امپریالیسم در منطقه اهداف آمریکا و تها و زگر از افزایش تشنجات در خلیج فارس را بیشتر مشخص می کند. چهار هواپیمای جاسوسی "آواکس" در عربستان سعودی، ۶ ناو جنگی که بین سلطان نشین عمان و بحرین در رفت و آمد هستند، ۷ ناو دیگر از جمله ناو هواپیمابر "کیتی هاوک" در شمال اقیانوس هند و نزدیک تنگه هرمز قرار دارد و در یک دایره وسیع تر پایگاههای "بربرا" در سومالی، "مومباسا" در کنیا، پایگاه مهم و بسیار مدرن نظامی در جزایر مرجانی "دیه گوکاسیا"، دهها پایگاه در ترکیه از شمار پایگاهها و امکانات نظامی امپریالیسم در منطقه می باشد.

"فرصت طلایی" گسترش مداخلات امپریالیسم در خلیج فارس بوجود آمده و همه چیز مهیاست. فقط یک بهانه کوچک است: "درخواست یک کشور" در این منطقه و در آمریکا به خلیج فارس شکل قانونی خواهد بخشید و زمینه بوجود آمدن یک گروه بندی نظامی - سیاسی تها و زری مطابق الگوی ناتو و سرکوب جنبشهای مردمی در منطقه را فراهم خواهد کرد تا هیچ موردی برای "پشیمانی" (بقول روزنامه ج ۱۰) امپریالیسم از تشنجات در منطقه باقی نگذارد.

نکته دوم که روزنامه حزب حاکم در این شرایط بحرانی و خطرناک تبلیغ می کند، اینست که گویا "فرصت طلایی" پیش آمده و برنده اصلی، این تشنجات و افزایش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا، ملت های مسلمان منطقه هستند.

در این مورد نیز و قایح نشان می دهد که برنده اصلی افزایش تشنجات در منطقه نسه "ملت های مسلمان" منطقه. که امپریالیستها و انحصارات بین المللی هستند. بر طبق اخبار خبرگزاریها، شرکت های بیمه، حق بیمه کشتیهای نفتکش را تا سه برابر افزایش دادند و اکنون حق بیمه به سطح ۷/۵ درصد بهای نفت با گریزی شده رسیده است. نفتکشها از نزدیک شدن به خلیج فارس بویژه جزیره خارک جلوگیری می کنند و بر اساس نوشته روزنامه "لوموند" صادرات نفت ایران بشدت کاهش یافته و از یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه به ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

دولت ژاپن خریدار اصلی نفت ایران به نفتکشهای خود دستور داده است که تا اطلاع ثانوی از نزدیک شدن به خارک جلوگیری کنند. عملا امکان صدور نفت ایران روز بروز محدودتر می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی معنای اینکار را برای مردم توضیح داده است: "معنای این حرف اینست که ما نفت نفروسیم. ما نفت نفروسیم یعنی هیچ چیز

است؟ می نویسد: "واشنگتن مایل نیست اشتباهات گذشته خود را تکرار کند و مسلما برای حفظ رژیمهایی که هیج هنری جز خوشگذرانی ندارند، زحمت زیادی بخود راه نخواهد داد." و ادامه می دهد: "انتقال مرکز ثقل بحران ناشی از جنگ عراق و ایران، از خشکی به آبهای خلیج فارس در درجه اول به زبان ارتجاع عرب تمام خواهد شد." و سرانجام چنین نتیجه گیری می کند: "ملت های در این میان فرصتهای مناسبی برای استفاده از شرایط موجود در اختیار خواهند داشت. این ملت های مسلمان منطقه هستند که می توانند از این فرصت طلایی برای قیام استفاده کنند و بعنوان برنده اصلی این منازعه، سرنوشت خود را در دست گیرند." (جمهوری اسلامی ۲۱ اردیبهشت)

دو نکته مهم در تبلیغات روزنامه ج ۱۰ دیده می شود نخست بنظر روزنامه حزب حاکم، تشنجات موجود در خلیج فارس به سود امپریالیسم و ارتجاع منطقه نیست و "سیر حوادث تدریجا وارد مرحله غیر قابل بازگشتی می شود که از آن پس واشنگتن و پاریس، فرصت چندانی برای برای اظهار پشیمانی در اختیار ندارند." (همان سرمقاله)

وقایع چند روز اخیر نشان می دهند نه تنها امپریالیسم آمریکا از تشنجات موجود "پشیمانی" نیست، بلکه ما نند همیشه، همه تشنجات در راستای منافع امپریالیسم تها و زگر است.

روز شنبه گذشته اعلام شد، عربستان سعودی ۲۰۰ موشک ضد هوایی از نوع "استینگر" از آمریکا خریداری کرده است. چندی پیش نیز ریگان طی نامه ای از عربستان سعودی اجازه استفاده از امکانات نظامی آن کشور را در شرایط لازم درخواست نمود. هر چند زکی یمانسی وزیر نفت عربستان سعودی اعلام کرد، حضور اتحاد شوروی مانع اساسی ورود آمریکا به منطقه است، اما دولت کویت اعلام کرد، که "خلیج" از آن کویت یا قطر و یا عربستان سعودی و ایران نیست بلکه، متعلق به همه است و هر کس می تواند برای حفظ این مسیر نیروی نظامی وارد کند. اخبار خبرگزاریها نشانگر تکیون تو طئه بزرگی در منطقه است.

در سالار پریم فرمانده نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس طی مصاحبه خود با یک روزنامه ایتالیایی گفته است: "بزرگی در این منطقه تحت رهبری آمریکا و هندی نظامی - سیاسی، مطابق الگوی ناتو تشکیل خواهد شد."

پاسخ مسؤل شعبه کارگری سازمان به سؤالات خوانندگان

اکثريت

۳ - معانعت و کارشکنی آشکار در ایجاد تشکلهای صنفی مستقل در واحدهای بزرگ دولتی (از قبیل صنایع نفت، فولاد و ذوب آهن، مس و ...). تشکیل شوراهای کارگری در اینگونه واحدها منوط به تأیید شورای عالی کار شده است (تبصره ماده ۱۷۰). پیش‌نویس "جدید" در این مورد دقیقاً پاراجای پای ماده ۱۴ قانون شوراهای بنی صدر و شورای انقلاب گذاشته است. شما می‌دانید که همین تبصره ظاهراً اهمیت‌چه تأثیر سیاسی مهمی بجای می‌گذارد. بورژوازی ایران از همان فردای پیروزی انقلاب ایران به این نکته توجه جدی نشان داد. بورژوازی اهمیت حضور

متشکل کارگران را در واحدهای بزرگ و صنایع کلیدی کشور مثل نفت و غیره را درک می‌کرد. چون دیدند که نفعگران متشکل چگونه کم‌رزم شاه را شکستند. مضمون تبصره ماده ۱۷۰ اولین بار در شورای انقلاب (به ریاست بنی صدر) تصویب شد و در تمام دوره‌های بعد نیز بورژوازی به دقت از آن حراست کرد. تا اینکه آنرا دست‌نخورده در پیش‌نویس جدید گنجانند.

۴ - این پیش‌نویس اصل تضمین اجرایی قانون کار در واحدهای خصوصی و تعاونی را، بعنوان "مقررات خاص" موکول به رضایت کارفرمایان کرده است (فصل چهارم). بنابه مفاد این فصل دست‌کارفرمایان بخش خصوصی برای عدم رعایت قانون باز گذاشته شده است. مفاد این فصل بسته به اینکه بخش خصوصی تا چه اندازه اهم قدرت دولتی را در اختیار داشته باشد، بهمان نسبت حربه‌ای در دست آنان علیه کارگران خواهد بود. در این فصل رگه‌های قابل توجهی از اصل تراضی توکلی بجا مانده است که کاملاً خلاصت ضد کارگری دارد. اصل شمول عام قانون در همه واحدهای تولیدی و خدماتی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی و همچنین اصل تضمین اجرایی داشتن قانون را کاملاً مختل و بی اعتبار کرده است. در تشخیص ضد کارگری بودن این پیش‌نویس قبل از هر چیز نقض کامل حق تشکل صنفی مستقل و نقض مشارکت کارگران در اداره و نظارت بر تولید حایز اهمیت جدی است. در قانون کار سه ساله مرکزی تعیین تکلیف قانون با حق تشکل است، تشکل کارگری در هر قانون کاری، حلقه اصلی است. هراس فروهر و بازگان، نعمت‌زاده و بنی صدر، توکلی و سردمداران کنونی جمهوری اسلامی از جنبش حقوق کار قبل از همه از تشکل کارگری مستقل بوده و می‌باشد. مساله آنها تعیین تکلیف با شورا (و سندیکا) و میزان اختیارات و حقوق آن بود، چون علاوه بر همه اینها

بقیه در صفحه ۷

زمان شاه. البته در چارچوب قانون کار زمان شاه قرارداد و از جنبه‌هایی بیشتر آن قانون قابل مقایسه است تا با پیش‌نویس توکلی. اگر در پیش‌نویس توکلی استعمار و غارت لجام گسیخته و بی بند و بار سرمایه داری آنها به آن صورت بدوی و متحجرانه مبنای مناسبات کار بود، در اینجا مناسبات کار صورت منطقی‌تر و "معقول‌تر" (از نظر منافع بورژوازی) بخود گرفته و قایل به پذیرش برخی از بدیهیات حقوق صنفی و رفاهی کارگران شده است.

این پیش‌نویس یا پیش‌نویس توکلی در مقدمه و فصول چهارم، پنجم و هشتم و جوه مشترک بارز و قابل تأکیدی دارد. دلایل اصلی مابرای ارتجاعی و ضد کارگری دانستن این پیش‌نویس چنین است:

۱ - نقض کامل حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی مستقل (نقض اصل ۲۶ قانون اساسی). در این پیش‌نویس در تشکل کارگری علاوه بر کارگران، مدیران نیز شرکت دارند. علاوه بر آن، حق کارگران در ایجاد یا انحلال تشکل صنفی شان به دولت و کارفرما تفویض شده است. به این ترتیب پیش‌نویس شورا را با تبدیل کردن آن به یک ارگان وابسته و فرمایشی از صورت یک تشکل مستقل خارج کرده است. این پیش‌نویس تشکیل انجمنهای صنفی مستقل کارگری را نه تنها در سطح این یا آن واحد تولیدی و خدماتی بلکه در تمامی سطوح نقض کرده است. ایجاد اتحادیه‌ها و کانونهای صنفی رشته‌ای، منطقه‌ای و ملی و به طریق اولی ضرورت ارتباط با فدراسیون‌های بین‌المللی سندیکایی اساساً نادیده گرفته شده است. بجای آن سازمانهایی دولتی و کارفرمایی در سطح مناطق کارگری تحت عنوان "هیاتهای نظارت بر شوراهای اسلامی منطقه" بر کارگران تحمیل شده است. این هیات که حق انحلال شوراهای کارگری منطقه خود را دارد، در واقع چماق وزارت کار و کارفرمایان است.

۲ - نقض کامل حق مشارکت کارگران در برنامه‌ریزی و اداره تولید (نقض اصل ۴۰ قانون اساسی). یکی از مهمترین انگیزه‌های جنبش حقوق کار در مکرآتیک علیه قانون کار زمان شاه همین حق مشارکت کارگران در برنامه‌ریزی و اداره واحدهای تولیدی و خدماتی کشور بود. این مطالبه برحق زحماتشان در اصل ۱۰۴ قانون اساسی نیز بازتاب یافت. اما این حق مسلم و این دستاورد اصیل جنبش انقلابی و کارگری در این پیش‌نویس مخدوش و مبتذل شده و اساساً مسخ و مثله شده است. (فصل هشتم پیش‌نویس).

پیش‌نویس قانون کار پس از انتشار مجدداً از جانب وزارت کار و اظهار نظر کارگران در مورد ضد کارگری بودن آن، بدون تغییر اساسی جهت تصویب به هیات دولتی داده شد. خوانندگان نشریه "اکثريت" سؤالات متعددی در مورد این پیش‌نویس و مواضع سازمان پیرامون مسایل کارگری مطرح کردند. نشریه "اکثريت" این سؤالات را برای شعبه کارگری سازمان فرستاد. مسؤل شعبه کارگری سازمان پاسخ‌های سؤالات را برای ما ارسال داشتند. ماضی‌شکر، پاسخهای رفیق را در این شماره و شماره آینده درج می‌کنیم.

○ ○ ○ ○

س ۱ - نظر سازمان در مورد پیش‌نویس قانون کار جدید چیست؟
ج: قانون کار پس از قانون اساسی مهمترین قانون هر کشور است.

در جریان انقلاب و بویژه با پیروزی انقلاب، طبقه کارگر ایران، بر چندار جنبش حقوق کار دمکراتیکی شده که مضمون آن رد قانون کار پیشین و تدوین یک قانون "کارو تاملین اجتماعی" مترقی با مشارکت نمایندگان کارگران بود. با پیروزی انقلاب و نقش‌آرزنده و مبارز طبقه کارگر در انقلاب و تدوین قانون اساسی جدید، بخشی از خواستههای طبقه کارگر در اصولی از قانون اساسی منجمله در اصول ۲۶، ۲۹، ۴۰، ۴۱، ۱۰۴ بازتاب یافت. این اصول امکانات تازه و پایه‌های حقوقی رفاه‌مندی می‌آوردند تا بر اساس آن قانون کار دمکراتیک با مشارکت نمایندگان کارگران تدوین شود.

از نیمه دوم سال ۶۰ به بعد تدوین چنین قانون کاری به یکی از عرصه‌های بسیار مهم مبارزه طبقه کارگر با نمایندگان سرمایه داران و دیگر مترجعین بدل شد. در سال ۶۱ این مبارزه در اعتراض یکپارچه و نیرومند میلیونها کارگر علیه پیش‌نویس کذایی توکلی اوج گرفت. فعالیت گسترده و روشنگرانه فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران علیه این قانون ارتجاعی در کنار گذاشتن این پیش‌نویس ارتجاعی و غیر انسانی نقش تعیین‌کننده داشت و باند توکلی را رسوا و طرد کرد. سران راستگرای جمهوری اسلامی ایران، پس از این شکست شعار "اصلاح و تکمیل" پیش‌نویس توکلی را پیش کشیدند. و به عقب نشینی ناخواسته‌ای تن دادند و به کمیسیون مرکب از ۸ وزیر و بعد ها و زیرکار جدید ماموریت دادند و دراز چشم کارگران و بی توجه به اصول قانون اساسی، پیش‌نویس تجدید نظر شده‌ای را تهیه و آرایه نمایند. حاصلش این شد که می‌بینید.

به نظر ما این پیش‌نویس به اصطلاح "جدید" ملغمه‌ای است از پیش‌نویس توکلی و قانون کار

بقیه از صفحه ۶

مهمترین ضامن تدوین و اجرای هر قانون کاری نیز همان تشکیل کارگران است. آنچه برشمردم دلایل اصلی ما برای ارتجاعی و ضد کارگری دانستن این پیش نویس است. گرچه دلایل دیگری هم برای مخالفت با پیش نویس جدید وجود دارند که دارای اهمیت جدی هستند:

الف - احیای ماده ۳۳ - این پیش نویس در مقایسه با پیش نویس توکلی که دست کارفرما را در اخراج کارگر کاملاً باز گذاشته بود، البته محدودیت هایی بوجود آورده است، اما در مقایسه با قانون کار زمان شاه همان مضمون ماده ۳۳ را کاملاً در مواد ۳۱، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ حفظ کرده است. شمایک بار مواد ۳۳ و ۳۴ نیز کاربیشین را با مواد ۳۱ تا ۳۷ پیش نویس جدید مقایسه کنید، ببینید، هیچ تفاوت کیفی ندارند. اینکه پیش نویس "جدید" کارفرما یا بقول خودش "صاحب کار" را به پرداخت اجرت امثل کار انجام شده موظف می کند چیز جدیدی نیست. ماده ۳۳ و ۳۴ قانون کار زمان شاه هم بنده پرداخت غرامت ناشی از اخراج به کارگر تصریح داشت. و بعد هم با چند شاهی سروته غرامت اخراج راه می آورد. مساله اساسی تری این است که خواست اصلی کارگران در لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه تا همین امنیت شغلی برای کارگران است، نه چانه زدن روی نرخ غرامت اخراج. کارگران خواهان تضمین حق کار و امنیت شغلی قانونی و همچنین تصریح قانونی حق تشکیل کارگری در تشخیص تأیید و یار اخراج کارگران (بعنوان یک اهرم تضمین اجرایی قانون) بوده و هستند. پیش نویس همه جا، به جای اخراج کلمه فسخ قرارداد را گذاشته است. روشن است که فسخ قرارداد علیه کارفرما صورت نمی گیرد. این کارگزار است که همیشه از این فسخ، یاد قیق تر بگویم اخراج و انفصال از کار، زبان دیده می بیند. این هم آزمودی - گریه های طراحان پیش نویس "جدید" است.

ب - عدم شمول قانون در واحدهای ساختمانی و به اصطلاح موقت - تبصره ماده ۱۶۵ پیش نویس "جدید" تکرار ماده ۱۸ تشکیل شوراهای زمان نعمت زاده و زیر کار سابق است. به اتکای همین ماده ۱۸ بود که وزارت کار اختلالات و کارشکنی های جدی در تشکیل شوراهای واحد ها بوجود آورد. مادرحد و دیک میلیون کارگر ساختمانی داریم. مساله ۱۶۵ بخش قابل توجهی از توده کارگران را از حق شکل محروم می کند.

پ - این پیش نویس، در بخش مربوط به روابط حقوقی کار با مینا قرارداد ضابطه های عقب مانده ای مانند عقد و شرط راه را بسرای تحمیل قرارداد کار کو تا مدت و موقت باز گذاشته و امنیت شغلی کارگران را بیش از پیش به خطر

انداخته است.

ت - پیش نویس جدید همانند قوانین گذشته حق اعتصاب را که از حقوق بدیهی و مسلم همه کارگران است اساساً مسکوت گذاشته و نفی کرده است.

ث - در تدوین و اجرای ضوابط و مقررات و آیین نامه های کار اساساً نقش شکل های کارگری نادیده گرفته شده است.

ج - در عرصه های دیگر نیز حقوق اولیه صنفی - رفاهی را نقض می کند، که فهرست وار به آنها اشاره می کنم: مدت دوره کارآموزی بجای ۶ ماه تا ۲ سال تعیین شده است. و این تنها به نفع کارفرما است. سن پانزده سالگی معلوم نیست، که باید برای زنان ۵۵ سال و بسرای مردان ۶۰ سال باشد. حداقل سن کار برای کارگران کشاورزی ۱۲ سال تعیین شده است، بدون آنکه کارفرما قانوناً مجبور شود شرایط ادامه تحصیل این دسته از کارگران فراهم کند. تبعیض در مرخصی سالانه بین کارگران و کارمندان (که باید این تبعیض از بین برود) و مرخصی سالانه یک ماه برای همه مساوی اعلام شود. روز اول ماه منتهی تعطیل اعلام نشده است. به حقوق صنفی و ویژه زنان نیز بطور مبهم و پهلوی اشاره شده و جای سوء تفسیر علیه حقوق زنان کارگر کاملاً باز است. (مواد ۸۵، ۸۷، ۸۸ و ۹۰) و علاوه بر آن مرخصی دوران زایمان کوتااست. در حالیکه حداقل ۹۰ روز لازم است. در پیش نویس حد اکثر ساعات کار کارگران در هفته تصریح نشده است و مسکوت مانده است. باید حد اکثر ساعت کار هفتگی کارگران با کارمندان یکسان گردد و در قانون کار تصریح شود.

س ۲ - به نظر سازمان یک قانون کار مترقی چه مختصاتی باید داشته باشد؟

ج : شامی دانید که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) چه در برخورد با قانون کاربیشین و چه در برابر پیش نویس توکلی و همین پیش نویس "جدید" "آلترناتیو حقوقی مشخص و روشنی در زمینه قانون کار و تأمین اجتماعی ارایه داده است. که رئیس کلی آن در طرح برنامه سازمان انعکاس یافته و بطور مشروح نیز در اسناد منتشره سازمان بازتاب یافته است. علاوه بر اینها در مقاطع مختلف، ما جزوه ها و بروشورهای متعددی حاوی زهنمودهای سیاسی و عملی مشخصی برای اعتلای جنبش حقوق کار - چه بصورت علنی و چه غیر علنی - منتشر کرده ایم. ما جزوه ای تحت عنوان رئیس و مضامین اصلی حقوق کار انتشار دادیم. عنوان این جزوه "قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی را چگونه باید تدوین کرد؟" بود. آنرا در اختیار کارگران قراردادیم که به خربه موثر مبارزه طبقه کارگر علیه پیش نویس کذابی توکلی بدل شد. در برابر پیش نویس با اصطلاح "جدید" هم

حرف ماروشن و مشخص است. کارگران نیز تا حد قابل توجهی به مواضع ما در این زمینه آگاهی دارند. فعالیت موثر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در رابطه با ارتقاء آگاهی کارگران نسبت به حقوق کارسبب شده است که امروز سرحدی زاده در مقابل کارگران در مانده می شود و جلسات هفتگی را تعطیل می کند. این شکست نشانه آگاهی کارگران است. اینکه حتی در گرد همایی هایی نظیر اجتماع ۵۰۰ نفره نمایندگان کارگران در کارخانه دخانیات، پیش نویس "جدید" قانون کار با اعتراض همگانی مواجه می شود و نمایندگان کارگران با دلایل مشخص و دقیق پیش نویس را زیر سؤال می برند، دلیل بارز این آگاهی است. برای تدوین و اجرای قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی در شرایط امروزین جامعه ما پایبندی برد و اصل اساسی زیر را ضروری می شناسیم: یکی مشارکت کارگران است و دیگری اصول و ضوابط حقوقی ناظر بر تدوین و اجرای قانون کار. مشارکت کارگران بطور خلاصه بنده معنی شرکت طبقه کارگر (اعم از پیشروان سیاسی، رهبران و نمایندگان صنفی و توده های کارگر است). اما اصول و ضوابطی که باید در تدوین قانون کار مورد تأکید قرار گیرد، رعایت ۳ نکته اساسی زیر است: ۱ - ساختمان قانون کار ۲ - شمول قانون ۳ - ضمانت اجرایی آن.

۱ - ساختمان قانون کار خود پایبند شامل سه جز بهم پیوسته زیر باشد:
الف - مقدمه، ب - اصول پایبندی ب - اصول و ضوابط اختصاصی.
الف - مقدمه - قانون کار مترقی باید مشتمل بر مقدمه ای باشد که در آن قبل از هر چیز مقام طبقه کارگر در جامعه و همچنین نقش این طبقه در انقلاب و دستاوردهای آن مورد تأکید قرار گیرد. در این مقدمه باید هدف و سمت تدوین قانون که ناظر بر هرگونه نفی غارتگری و اجحاف و در مناسبات کار است، مشخص گردد. باید ایجاد مناسبات عادلانه در عرصه کار و در جامعه بعنوان هدف کلی این قانون مورد تأکید قرار گیرد.

ب - بخشی از قانون باید دربرگیرنده اصول پایه ای حقوق کار باشد. از قبیل حق کار، حق تشکیل آزادانه و مستقل کارگری، حق مشارکت کارگران در برنامه ریزی و اداره تولید و حق تأمین اجتماعی و ...
در تدوین یک قانون کار مترقی در سراسر جهان - پایه ای ترین سند مرجع همان اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی مصوبه ۱۹۷۸ فدراسیون جهانی است. علاوه بر آن باید مقابله نامه های سازمان بین المللی کار که مورد پذیرش بسیاری از دولتها هست مورد استفاده قرار گیرد. بقیه در صفحه ۱۰

قانون کار باید با مشا رکت کارگران تدوین شود

در حاشیه



شوخی نیست!

" تا من کردن خلیج فارس موجب میشود که دیگر قطره ای نفت نگذاریم از این تنگه رد شود و دنیا بیخ بزند، زمستان آینده اروپا و آمریکا باید منجمد شوند و اگر نفت به رویشان بسته شود همه شان یخ می زنند." (حجت الاسلام سید هادی طباطبایی امام جمعه فیروز کوه، روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱ اردیبهشت صفحه ۱۰)

"کشورهای سوم"

وزیر امور خارجه مالت که به تهران آمده بود، پس از امضای یک " یادداشت تفاهیم " با وزارت خارجه ایران به کشورش بازگشت. آقای ولایتی در این مورد طی مصاحبه ای در مورد روابط حسنه ایران و مالت گفت: " در زمینه بازگانی و خرید کالا هایی که ما این کشور بعنوان واسطه در آن عمل می کند، و گسترش روابط فرهنگی از موضوعات مورد علاقه دو کشور می باشد." (کیهان ۱۳/۲/۲۵)

جمهوری اسلامی همزمان با اختیار و ابسط نابرابر اقتصادی پاکستان و امپریالیستی، آن کالاهایی را که بنا به دلایلی نمی توانست

مستقیماً از کشورهای امپریالیستی وارد کند، از طریق کشورهای سوم می خرد. این کالاها که عمدتاً ابزار جنگی می باشند، بخاطر پرداخت حق دلالی، بسیار گرانتر از قیمت اصلی آن خریدار می شوند. از جمله این کشورهای دلال می توان از ترکیه، پاکستان، سنگاپور، تایلند، مالت و... نام برد.

توکلی و رای به "صالحان"

" امت حزب الله تهران به صالحان رای می دهد " (از تراکت تبلیغی توکلی برای انتخابات، اطلاعات ۲۵ اردیبهشت).

هر چند صالحان واقعی امکان شرکت در انتخابات را نداشته اند، اما ظاهراً " امت حزب الله " در مورد شخص توکلی به توصیه وی عمل کرده اند.

دستشویی و چراغ قرمز!

اخیراً آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور تعبیر جدیدی از مضامین بحثهای اقتصادی - اجتماعی حول " احکام اولیه " و " ثانویه " و " مسایل مستحدثه " ارائه داد. او گفت:

" عنوان ثانوی و عنوان اولی ... بعضی از مسایل یا از مسایل مستحدثه است یا از یک دریچه ای بحث شده است و از دریچه حکومتی بحث نشده است، شما وقتی که وارد دستشویی می شوید آنجا نوشته شده وقتی که می روید اول پای چپ، بعد راست خد و دراز بگذرید و وقت بیرون آمدن به عکس وقتیبی می نشینید سنگینی بطرف چپ باشد، تا این

ریزه کاریهای دستشویی نوشته شده است، اما وقتی که رانندگی می کنید در چراغ قرمز باید چکار کنید، از دست راست بروید یا از دست چپ، ورود ممنوع را چکار باید بکنید، این مساله چیزی است که تازه وارد زندگی ما شده است، این معنایش این نیست که یکی سنتی است و دیگری غیر سنتی. (اطلاعات ۱۳ اردیبهشت)

جمهوری اسلامی در سودان!

" قطع دست راست و پای چپ در سودان برای ربودن ده دلار " (جمهوری اسلامی ۱۳/۲/۲۵)

احتمالاً سودان هم یک نسخه از قانون قصاص جمهوری اسلامی را دریافت نموده است. روز بعد مشا و رنیردی در امور خارجی اعلام کرد: " احتمالاً سودان بزودی تبدیل به یک جمهوری اسلامی می شود." (اطلاعات ۱۳/۲/۲۶)

اینهم صد و انقلاب به سبک جمهوری اسلامی.

دوست مشترک

جرج بوش معاون رئیس جمهوری آمریکا: " برای حفظ امنیت پاکستان ۳/۲ میلیارد دلار به ژنرال ضیاء الحق کمک مالی می کنیم." (کیهان ۱۳/۲/۲۹)

" مجلس لایحه استمهال دولت پاکستان را در رابطه با وام یانصد و هشتاد میلیون دلار برای این کشور تصویب کرد." (اطلاعات ۱۱/۶/۵)

ترجمه به فارسی: دولت جمهوری اسلامی برای کمک به کشور " برادر " پاکستان، دریافت وام پرداختی به این کشور را به تعویق انداخت.

رفع ابهام از...

بقیه از صفحه ۴

که برای حل مساله مالکیت ارضی صورت می گیرد، نمودار این سیاست حکومت است، که باید ارضی مصادره ای به " مالکان مشروع " آنها پس داده شوند. آنچه مسلم است، اکثریت تمام ارضی موجود زیر پوشش " بنیاد مستضعفان " ارضی بزرگمکانیزه هستند که طبق اصل ۴ قانون اساسی باید دولتی باشند. ولی رهبران جمهوری اسلامی اکنون نه تنها به " اصل ۴ " بلکه به هیچیک از مواد مردمی قانون اساسی وفادار نیستند. " بنیاد مستضعفان " نیز زمینه برگرداندن ارضی زیر پوشش خود را فراهم نموده است: " بر اساس طرح خانه تکانی بنیاد مستضعفان واحدهای کوچک (۱۱) خود را به بخش خصوصی واگذار می کند." (کیهان ۲۸ فروردین)

در این میان گروهی از سران حکومت که در سالهای گذشته بر محور تقسیم زمینهای بایر و دایر (بیش از سه برابر عرف محصل) تبلیغ می کردند، حتی حرفهای خود را پس گرفتند. آیت الله مشکینی که خود یکی از تائید

کنندگان مصوبه شورای انقلاب بود در " هفته کشا و رزی " فقط می گوید: " زمینهای موات که متعلق به خدا، امام زمان (عج) و مردم است باید زیر نظر دولت اسلامی و در دست مردم باشد." (جمهوری اسلامی ۲۴ اردیبهشت ۱۳) و رئیس مجلس شورای اسلامی که می گوید: " همه ملت می گویند تکلیف زمین را روشن کنید بدون درنگ اضافه می کند، " البته مانعی گوییم اینها که صاحب این زمینها هستند شرعاً مالک آن نیستند " و ادامه می دهد: " تا این مساله حل نشود و مالک و کشا و رزی امنیت کامل نداشته باشند و آینده برای آنان روشن نباشد مانعی توانیم کشا و رزی را رونق دهیم." (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت) بدینصورت مشخص می شود که هیاهوهای تبلیغاتی در باره " هفته کشا و رزی " و " کشا و رزی نمونه " و " روشن کردن تکلیف زمین " هیچگونه زمینه عینی ندارد و حکومت نمی خواهد کاری برای دهقانان کم زمین و بی زمین انجام دهد. حکومت در تمام سیاست اعلام شده توسط وزیر کشا و رزی می خواهد " مالک امنیت داشته باشد " و سرمایه داران را به سرمایه بزرگداری در روستاها ترغیب نماید و چون همه اینها بدون حضور دهقانان در چرخ تولید

کشا و رزی میسر نیست از آنها می خواهند: " از دهات و روستاها مهاجرت نکنید و سعادت کشور خود را رازاز بین نبرید." (آیت الله مشکینی جمهوری اسلامی ۲۴ اردیبهشت)

چنین سیاستهای در عرصه روستاها فقط به مساله ارضی که تنها محور مسایل مربوط به روستا بلکه یکی از اساسی ترین مسایل انقلاب بهمین می باشد محدود نمی گردد، سیاست مسخ شوراها، دهقانی، سیاست انحلال شوراها، کشت، سیاست انفعال و متلاشی کردن شاعها و... همه و همه حاکی از این است، که می خواهند ابهام موجود روی زمینهای زیر پوشش " بنیاد مستضعفان " را به نفع ملاکین بزرگ و کلان سرمایه داران رفع نمایند و نهادهای جوشیده از بطن انقلاب را که همیشه اهرمی برای دفاع نابود ساخته و از بین ببرند. اما دهقانان زحمتکش با چنگ و دندان از دستاوردهای مبارزات چندین ساله خود دفاع می کنند و به همراه کلیه نیروهای انقلابی و مردمی نخواهند گذاشت بار دیگر یوغ بندگی و استعمار فئودالی و بورژوازی برگردد زحمتکشان روستا استوار گردند.

انتخابات

بقه از صفحه ۲
به شورای نگهبان حمله کردند. "ابطال" های شورای نگهبان بجای تقویت موضع آن، به تفسیر بالایی تبدیل شد و "فقه‌های محترم" بی‌آبرو تر شدند، بطوریکه رهبری جمهوری اسلامی خود را ناچار به مداخله دید.
"افرادی که نظریه شورای نگهبان در ابطال یا تایید بعضی حوزه‌ها موافق میلشان نبوده است، دست به شلیحه افکنی زد و اعضای محترم شورای نگهبان (را) ۰۰۰ تضعیف یا خدای ناکرده توهمین می‌نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زد مانند ۰۰۰ من به آقایان هشدار می‌دهم ۰۰۰ باید بگوییم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را بسا آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنها، به مقامشان را لازمی دانم ۰۰۰ به شورای نگهبان تذکری دهم که در کار خود استوار باشند." (اطلاعات ۲۶ اردیبهشت)

این موضع‌گیری که به تصریح سران حکومت باهدف جلوگیری از تشدید بازهم بیشتر اختلافات انجام گرفت، با واکنش منفی و آشکار مردم مواجه شد. تعداد رای دهندگان در مرحله دوم انتخابات بعیزان قاحشی وحتی در برخی شهرها به نصف کاهش پیدا کرد. در مقایسه با مرحله اول انتخابات تهران که در آمار رسمی مجموع آرا ۲۳۰۸۶۷۰ اعلام گردید، در مرحله دوم در تهران طبق آمار اعلام شده ۱۲۷۰۴۷۱ نفر شرکت کردند، یعنی تعداد رای دهندگان ۴۵ درصد کاهش یافت. ناطق نوری وزیر کشور سعی کرد این امر را با گفتن اینکه درد و روز تعطیل بهاری، عده زیادی از مردم به مسافرت رفته و نتوانستند رای دهند، توجیه کند. (جمهوری اسلامی ۳۱ اردیبهشت) اما چنین توجیهاتی به هیچ وجه نمی‌تواند این واقعیت را لاپوشانی کند که عدم شرکت در انتخابات، در مرحله دوم به شکل عمده ایزار مخالفت مردم تبدیل شد. مردمی که انتخابات را روزنه‌ای برای اعلام مخالفت خود با سیاست حاکم یافته بودند، مشاهده کرد ندهک تاثیر اراده آنها در سیاست حکومت از طریق انتخابات با وجود سد سکندر شورای نگهبان تقریباً به هیچ‌گاه می‌یابد.

در تهران نتیجه مرحله دوم انتخابات چهار روز پس از رای گیری اعلام شد. از کاندیداهای مستقل و اختصاصی "انجمنهای اسلامی" (دانشجویان و معلمان و ۰۰۰) تنها یک نفر انتخاب گردید. در عوض، انتخاب ۱۴ نفر از لیست ۱۷ نفره حزب جمهوری اسلامی و ۱۴ نفر از لیست ۱۷ نفره جامعه روحانیت مبارز، یک توافق آشکار میان این دو رانشان داد. از صندوق درآوردن آذری قی دبییر جامعه مدرسین، نمونه دیگر از اینگونه نزدها و تقلبات است. نتیجه انتخابات مرحله اول قم برترتیب نفر اول ۱۴۴۱۶۰ رای، نفر دوم

۱۰۱۸۷۲، نفر سوم ۸۸۴۳۷ رای و نفر چهارم (آذری قمی) ۶۴۳۸۸ رای بود. سپس از ورود نفر اول به مجلس، نفر دوم و نفر سوم به مرحله دوم انتخابات رفتند. اما سه روز قبل از انتخابات مرحله دوم، محمدعلی شرعی نفر سوم (کاندیدای دیگر حزب جمهوری و جامعه مدرسین) طی اعلامیه‌ای انصراف خود را از شرکت در انتخابات مرحله دوم بیان کرد. وی در این اعلامیه گفت: "باتوجه به اینکه در این مرحله تنها یک نماینده از شهرخون و قیام انتخاب خواهد شد، اینجانب نیز مانند همگان بر اساس موازین اسلامی و تأکیدات مکرر امام امت خود را ملزم به انتخاب اصلاحی دانم و بدین جهت حضرت آیت‌الله آذری قمی را ۰۰۰ بدون هیچ تردیدی بر خود مقدم دانسته و انصراف خود را اعلام می‌دارم و طبق وظیفه شرعی انتخاب اصلاح، به ایشان رای خواهم داد." (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت)

بارهایی آذری قمی به مرحله دوم معجزه صندوق کارسازی شود و وی با ۷۵۰۰۹ رای بعنوان "نماینده مردم قم" راهی مجلس میشود و معلوم نیست نفر دوم مرحل اول کسسه ۱۰۱۸۷۲ رای داشت چند رای آورده است!! اما با این حال، حتی در مرحله دوم نیز آبرو باخته تر شدن چهره های رسوای راست نظیر عسکراولادی - که هم حزب جمهوری و هم روحانیت مبارز تهران او را کاندید کرده بودند - و توکلی - که مخالف هفتگی صرف تبلیغات کرد و علاوه بر بازار، کاندید "جامعه صنعت" یعنی صاحبان کارخانجات هم بود و جمله معروف "توکل می‌مردخوبسی است" را در همه اعلامیه های خود آورده بود - ادامه یافت. از این دو هیچ یک به مجلس راه نیافتند. محمد یزدی که در صدر لیست نهاد های قدرت بود از مقام اول به رده سوم تنزل کرد. اکنون که انتخابات پایان یافته و دوره دوم مجلس شورای اسلامی افتتاح شده است،

علیرغم تفاوتهایی که در ووال و نتایج انتخابات مرحله اول و دوم وجود داشت، می‌توان یک ارزیابی کلی از جریان انتخابات از آغاز تاکنون ارائه داد و آن این است که رهبری جمهوری اسلامی باهدف حل تضادی که از سال ۶۰ بیعد به حادترین تضاد درون سیستم حاکم فرار و غیبه بود، یعنی تضاد میان شورای نگهبان منتخب رهبری و اکثریت مجلس بسود شورای نگهبان، انتخابات دوره دوم را تدارک دید. سران حکومت برای سرکوب آراء مردم در انتخابات مجلس و جلوگیری از بازتاب آن در نتیجه انتخابات، کلیه وسایل و تمهیداتی را که در اختیار داشتند بکار گرفتند. آنها با ادامه سرکوب فاشیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب پوده ایران، سازمان مجاهدین خلق و سایر احزاب و سازمانهای ضد امپریالیست و مردمی از شرکت آنها در انتخابات معمانت کردند. سردمداران حکومت با تهدید و ارباب، از کاندیداتوری مجدد گروهی از نمایندگان در ووال جلوگیری بعمل آوردند. سران جمهوری اسلامی نقشه کشیدند تا کل جریان انتخابات را در تحمیل یک لیست انتصابی واحد خلاصه کنند. و سرانجام نیز با تبدیل شورای نگهبان به ارگان ابطال رای مردم، توانستند در بالا موقعیت خود را محکم تر کنند و ترکیب مجلس را به سمت راست تغییر دهند. اما، بکارگیری این شیوه‌های سرکوبگرانه، به قیمت محدود تر شدن هرچه بیشتر پایگاه اجتماعی رژیم زد و تشدید اختلافات درون حکومت، بخصوص تضاد میان لایه ها و نهاد های پایینی و بالایی آن، تمام شده است. بخصوص ضربه ای که فعال‌هایش شدن شورای نگهبان به اعتبار رهبری جمهوری اسلامی زد و خود رهبری نیز با جانبداری از شورای نگهبان ابعاد این ضربه را گسترش داد. بهای گزافی بود که سران حکومت برای سلب حق انتخاب آزاد از مردم پرداختند. "بدین ترتیب انتخابات حاکمیت را بی‌آبرو تر و زمینه رشد جنبش اعتراضی توده‌های سطح آگاهی و تشکل آنرا مساعدتر ساخته است." ("کسار" شماره ۴)

مترقی ترین قوانین جهان!!

آیت‌الله موسوی اردبیلی می‌گوید: "من ادعای کنم که قوانین جزایی و حقوقی اسلام از قوانین تمامی مکتبهای رایج در دنیا مترقی تر است. ما حاضر اثبات این موضوع هستیم ۰۰۰ مادرجمهوری اسلامی هیچکس را شکنجه نمی‌کنیم و قانون اساسی ما شکنجه نمودن را ممنوع دانسته است." (کیهان ۱۹/۲/۶۲). حق با آقای اردبیلی است. دنیا از نظر ایشان دنیا چند هزار سال پیش است. چکسی می‌تواند منکر این بشود که "قانون قصاص" جمهوری اسلامی که به سادگی دستور قطع دست و پای انسان‌ها را می‌دهد از قوانین قبایل بدوی که انسان‌ها را در آشکریاب می‌کردند، و یا بر سر نیزه می‌زدند ۰۰۰ مترقی تر نیست؟



معنای "خودکفائی"

آقای رفسنجانی در نماز جمععه ۲۸ اردیبهشت گفت: "مانعت نفرو شیم یعنی هیچ چیز نخیریم، یعنی فشنک هم تهیه نکنیم، یعنی گندم هم نیاوریم، یعنی مواد کارخانه هایمان را هم نیاوریم." - به این می‌گویند استقلال اقتصادی!

تظاهرات برای قطع جنگ ایران و عراق در هندوستان

۲۱ حزب و سازمان سیاسی طی اعلامیه‌ای خواستار پایان دادن به جنگ ایران و عراق و آزادی زندانیان سیاسی در این دو کشور شدند

— به سرکوب و اعدام و خشيانه قتل و سلب دگراندشا - سرعانا - دهد .

بقیه از صفحه اول
شرکت کنندگان در این راهپیمایی طی شعارهای خود خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق و برقراری صلح در منطقه، آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق شدند.
خانم نصرت بانو روحی مسئول سازمان صلح و همبستگی و رئیس سازمان زنان ایالت مادیا پردیش در بیان این راهپیمایی سخنرانی کرد و پس از برشمردن مصیبت‌های جنگ خانمانسوز ایران و عراق و کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی در این دو کشور برپایان دادن این جنگ تأکید کرد و گفت: "این جنگ خطر بزرگی برای صلح در منطقه و خلیج فارس در بر دارد."

۲۱ حزب و سازمان سیاسی مترقی دانشجوی جوانان و زنان با صد و اعلامیه‌ای بهمین مناسبت خواستار شدند:

— جمهوری اسلامی ایران باید به کشتار انقلابیون پایان دهد.

— زندانیان سیاسی ایران را سریعاً آزاد کنید.
— درهای تمامی زندانهای جمهوری اسلامی باید برای حقوق دانان بین‌المللی و بازدید کنندگان حقوق بشر باز شود تا حقایق پنهان شده در پشت درهای بسته سیاه‌چالهای رژیم آشکار گردد.

هندي و خارجی طی اعلامیه جداگانه ای خواستار آزادی زندانیان سیاسی در ایران و عراق و قطع شکنجه و اعدام اعضا و هواداران نیروهای انقلابی در این دو کشور شدند.

این تظاهرات با استقبال مردم شهر بوپال رو برو شد و در مطبوعات ایالتی انعکاس وسیعی یافت. روزنامه "کرو نیل" پرتیراژترین روزنامه محلی ایالت مادیا پردیش و روزنامه

کارکره
کره از
بازدید

همکار
گفتگو
کمیته
شورا
رفیق
"مه"
میان
و افز
بی



اردوزبان "افتاب جدید" و "روزنامه انگلیسی زبان "حیتا وادا" با چاپ گزارش و عکس‌ایمن راهپیمایی همبستگی عمیق خود را با خلق‌های ایران ابراز نمودند.

— جنگ ایران و عراق ده جان هزاران نفر را بلعیده است، بدون درنگ خاتمه یابد، زیرا مردم ایران صلح می‌خواهند.
همچنین ۱۷ سازمان دانشجویی مترقی

افشای توطئه‌های ضد مردمی و جنگ طلبانه سران هجدهم همبستگی خود را با مردم زجرکشیده ایران اعلام نمود. وی گفت: "جنگ ایران و عراق یک برادرکشی محض و هستی برانداز است."
این نمایشگاه با استقبال عمومی روبه‌رو گردید و صدها نفر از آن بازدید کردند.

۲ — شمول قانون کار: قانون کار مترقی باید همه افراد و حقوق بگیران واحدهای تولیدی و خدماتی کشور را عملاً از بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی دربرگیرد.
۳ — ضمانت اجرای قانون: یک قانون کار هر قدر که دمگراتیک باشد، چنانچه تضمین اجرایی نیابد، ارزشی نخواهد داشت. ضمانت اجرای قانون باید از یک طرف توسط دولت و ارگانهای ذیربط (که در برابر کارگران تکالیف و تعهدات قانونی دارند) و از طرف دیگر توسط تشکل‌ها و کانونهای کارگری عملی گردد.
اینها روس و مضامین اصلی درتد و بین یک قانون کار و نامین اجتماعی مترقی است. جزئیات حقوق کار و سیاست سازمان در هر یک از موارد فوق الذکر را در اسناد سازمانی من جمله در فصل دوم جزوه قانون کار مفصلاً ذکر کردیم. ادامه دارد

نمایشگاه عکس، طرح و کتاب در دانشگاه هیما حال پردیش هندوستان

آقای مسیح رئیس بخش حقوق دانشگاه ضمن استقبال از برپایی چنین نمایشگاهی در جهت

• عده‌ها نفر طی بازدید از این نمایشگاه نرفت خود را از جنگ خانمانسوز ایران ابراز نمودند.

پاسخ

بقیه از صفحه ۷

علاوه بر این دو، آنچه که عینی‌تر و عملی‌تر است. قوانین اساسی مترقی کشورها است و اصول مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از قبیل اصول ۲۶، ۲۹، ۴۴، ۴۶، ۱۰۴ و ۱۰۰) می‌تواند و باید در تدوین چنین قانون کاری مورد توجه اکید قرار گیرد.

پ — اصول و ضوابط اختصاصی کسه شامل دستمزد، مرخصی‌ها، حق امنیت شغلی، حق اعتصاب، حداکثر ساعات کار در هفته، حداقل و حداکثر سن کار، حقوق ویژه زنان و نوجوانان کارگر، پیمانهای دسته جمعی، هیاتهای حل اختلاف، ایمنی و بهداشت محیط کار، آموزش — های فنی و حرفه‌ای، طرح ارزشیابی و طبقه‌بندی مشاغل و ... می‌شود.

نمایشگاه عکس، طرح و کتاب طی روزهای ۲۶ و ۲۷ آوریل توسط رفقای ما، قد راسیون سراسری دانشجویان هند و قد راسیون دانشجویان در محل دانشگاه هیماچال پردیش هند وستان برگزار شد. موضوعات انتخابی توسط برگزار کنندگان این نمایشگاه، صلح جهانی، جنگ ایران و عراق و اوضاع سیاسی ایران بود.

بازدید کنندگان از این نمایشگاه در پایان نظرات خود را چنین در دفتر یاد بود منعکس کردند: "آمریکا مسبب همه این ویرانی‌هاست"، "من بیادیدن این نمایشگاه شرایط واقعی در کشور شما را دیدم، امیدوارم این ملت رنج‌دیده علیه جنگ و برای دستیابی به صلح متحد شوند و مبارزه انقلابی خود را علیه جنگ افروزان تشدید کنند." و ...



رویدادهای جهان

دیدار کیم ایل سونگ از اتحاد شوروی

کیم ایل سونگ دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر و رئیس جمهور و جمهوری دمکراتیک خلق کره از اتحاد شوروی، لهستان و آلمان دمکراتیک بازدید بعمل آورد.

در دیدار کیم ایل سونگ از مسکو، مسایل همکاری و حفظ صلح، مخصوصاً در آسیا، طنی گفتگوهایی با رفیق کنستانتین چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صد رهبریاترئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی مطرح گردید.

رفیق چرنکو تلاش امپریالیسم امریکا برای ایجاد "محور نظامی واشنگتن - توکیو - سئول" میان امریکا، ژاپن و کره جنوبی را محکوم کرده و افزود چنین اقدامی اوضاع آسیا را دچار بی ثباتی خواهد ساخت.

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر نیز حمایت دولت خود را از موضع اقامات اتحاد شوروی برای کاهش تنشجات بین المللی و دفع خطر پیک جنگ جهانی جدید اعلام کرد.

گفت حزب کمونیست، دولت و مردم اتحاد شوروی مصممانه علیه سیاست امپریالیستی تجا و ز و توطئه برای برافروختن آتش جنگ جدید مبارزه کرده و در راه حفظ صلح و امنیت در اروپا و سراسر جهان کام برمی دارند.

سمینار مشترک ضد انقلابیون افغانی و نیکاراگوئه ای

اخیراً در "نگوسی گالپا" پایتخت هند و راس ضد انقلابیون افغانی و نیکاراگوئه ای سمینار مشترکی داشته و "گروه تحقیق درباره اصطلاح" مقاومت بین المللی " در دست کرده اند.

برگزارکننده این نشست سازمان سینای آمریکا بود که با پوشش "سازمانی دربارین" ترتیب این گرد همایی را داده بود.

الله مجددی "رئیس اصطلاح" جبهه ملی برای آزادی افغانستان "در این" سمینار" شرکت جست.

تظاهرات عظیم کارگری در آلمان فدرال

مبارزه جنبش کارگری آلمان فدرال برای تحقق شعار "۳۵ ساعت کار در هفته" همچنان ادامه دارد.

روز دوشنبه ۲۸ ماه مه، به دعوت سندیکای فلرگاران این کشور ۲۵۰ هزار نفر در رین پایتخت آلمان فدرال گرد هم آمدند تا پیش

از هر چیز علیه خراج کارگران توسط کارفرمایان اعتراض کنند.

سرمایه داران آلمان فدرال برای مقابله با جنبش اعتصابی، در بار کارخانجاتی را که اعتصاب در آنها صورت نگرفته، بروی کارگران بستند تا بدینوسیله برسد یکاها اعمال فشار کنند.

تظاهرات مزبور بزرگترین تظاهرات کارگری در تاریخ آلمان فدرال بود.

ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آفریقا و آسیا

ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آفریقا و آسیا روز دوشنبه در الجزایر افتتاح شد.

صد هیات نمایندگی از احزاب مترقی و جنبشهای آزاد بیخشا از کشورهای آفریقای آسیایی در کنگره الجزایر شرکت کرده اند.

دستور کار کنگره بحث و گفتگو درباره نظام نوین اقتصادی، مبارزه علیه مسابقات تسلیحاتی و مبارزه برای صلح و امنیت جهانی است.

افغانستان، ویتنام، کامبوج، سازمان آزاد بیخشا فلسطین و کنگره ملی آفریقا از شرکت کنندگان این کنگره هستند.

دوستان خلقهای آفریقا و آسیا از جمله اتحاد شوروی و کوبا از شمار شرکت کنندگان ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا می باشند.

جشن "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان جشن همبستگی و صلح

زندانیان سیاسی میهن پرست و ضد امپریالیست راهر چه ساترنگوش بشریت ترقی خواه جهان برسانند شرکت کنندگان در جشن، با ماضی پومارها، و حشیگری نکاند هدیه حکام شکنجه گرج ۱۰۰ را محکوم نموده و خواستار قطع فوری شکنجه های غیر انسانی و جسمی - روانی، در زندانهای قرون وسطایی



رفیق هریرت میس رهبر حزب کمونیست آلمان در یک جلسه پرسش و پاسخ که در جریان جشن برگزار شد

جشن روزنامه "عصر ما" ارگان مرکزی حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان - از تاریخ ۲۵ تا ۲۷ ماه مه - امسال نیز بنظایه جلسوه پرشکوهای از همبستگی بین المللی کمونیستهای جهان، با شرکت احزاب و سازمانهای کمونیستی و مترقی جهان برگزار شد.

این جشن عرصه ای برای مبارزه در راه صلح و تحقق شعار "۳۵ ساعت کار در هفته" بود.

جشن مزبور با شرکت صد ها هزار نفر از کارگران و نیروهای ترقی خواه آلمان فدرال، در کنار فعالین و هواداران احزاب و سازمانهای میهمان، عرصه ای غرور آفرین، از همبستگی و دوستی خلقهای جهان بود.

مردم با شور و شغفی خاص در این جشن شرکت کردند و در سرودها و آوازهایشان، و در نمایشات و گفتگوهایشان، برای تمامی مردم جهان، صلحی پایدار و ترقی و سعادت آرزو کردند.

گرفته مشترک مطبوعاتی و سازمان کمونیستی و برادران سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در این جشن شرکت فعال و ثمر آفرینی داشت.

این جشن فرصت مغتنمی بود تا رفقای مادر آلمان فدرال، جنایات حکام مستبد ج ۱۰۰ در مسورد



ایران، و متوقف شدن جنگ احقانه در عین حال و حشیانه ایران - عراق شدند.

گرفته مشترک حزب و سازمان تجلی پرشور و غرور انگیز همبستگی نیروهای مترقی جهان بازندانیان توده ای و فدایی و سایر زندانیان ضد امپریالیست بود.

رفقای فدایی و توده ای علاوه بر معرفی کتب، نشریات، پوسترو... با اجرای نمایشات و گفتگوهای روشنگرانه، خیانتها و جنایات حاکمان ج ۱۰۰ را برای شرکت کنندگان افشا نمودند.

رفیق هریرت میس دبیر اول حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان هنگام بازدید از غرفه مزبور ضمن اعلام همبستگی برادرانه حزب کمونیست آلمان فدرال بازندانیان توده ای و فدایی، اظهار داشت: جنبش کارگری کمونیستی ایران، از پیشینه مبارزاتی طولانی برخوردار است و این جنبش علیرغم و حشیانه ترین سرکوبها، بسا تکیه به سنت درخشان مبارزاتی اش بی شک قادر خواهد بود، راه استقلال، آزادی و عدالت و ترقی اجتماعی را در کشور شما هموار سازد.

